



عکس: سیدعلی / ایران

لزوم افزایش مهارت‌های خانواده در ایفای نقش تربیتی متناسب با اقتضانات جامعه اسلامی

تربیت جنسی مبتنی بر اسلام یا سند ۲۰۳۰؟



شاداب شاه علی
 عضو هیات علمی
 دانشگاه تربیت
 مدرس دانشکده
 علوم پزشکی

هرتشکلیاتی که ابرقدرت‌ها تشکیل می‌دهند برای منافع خودشان است برای آن است که همه به سمت منافع آنها حرکت کنند. (امام خمینی)
 جمهوری اسلامی تسلیم سندهایی مانند سند ۲۰۳۰ یونسکو نخواهد شد (مقام معظم رهبری)
 دگرگون ساختن جهان ما؛ دست‌ورکار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار، عنوان سندی از اسناد سازمان ملل است که در سپتامبر ۲۰۱۵ به تصویب رسید و دارای ۱۶ هدف اصلی و ۱۶۹ هدف فرعی است. ظاهراً کل

متن سند مورد اشکال نیست و در مفهوم لغوی معاهدات بین‌المللی قابل پذیرش است و برخی اهداف این سند مورد تأکید اسلام است مثل ریشه کنی فقر و... اما نیازاست که به مواردی مثل روح حاکم بر این اسناد و مفهوم شناسی‌ها توجه کنیم. برای مثال در این سند بر ریشه‌کنی فقر با تأکید بر ترویج تساوی جنسیتی و توانمندسازی زنان تأکید شده که نیازمند واکاوی از منظر اسلامی است. مسأله اصلی این است که یک سازمان وابسته چگونه می‌تواند برای کشورها برنامه بنویسد و متوقع باشد در کشورها با فرهنگ‌های مختلف به‌صورت کامل پذیرفته شود؟! در کشور مسلمان ایران می‌توان به بحث قاعده نفی سبیل اشاره کرد. با توجه به این قاعده ما اجازه نداریم هیچ علو و برتری را برای کافران بر مسلمانان ایجاد کنیم. در فتوای این سند مواردی مانند بازرسی و گزارش دهی و موارد دیگری یافت می‌شود که جنبه برتری سازمان‌های بین‌المللی را پررنگ می‌کند. در بیان این سند مواردی مانند شهروند جهانی شدن هدف قرار گرفته است که باید برای آن تلاش کرد، روشن است که برای رسیدن به شهروند جهانی باید آموزش‌ها هم جهانی باشد. جهانی‌سازی در واقع به‌دنبال تقویت فقر جوامع انسانی، ایجاد آپارتاید اجتماعی و توسعه نژادپرستی و تنازع قومی و نژادی و تضییع حقوق افراد است. به عبارت دیگر، جهانی‌سازی، پروژه‌ای سیاسی است که به دست کشورهای سلطه طلب طراحی و هدایت می‌شود و با خود نوعی استعمار فرهنگی به همراه دارد. با این اوصاف، جهانی شدن فرایندی است گریزناپذیر که شکل تکامل یافته پیشرفت‌های بشری در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است و پروژه‌ای است که مشخصاً در راستای تأمین منافع و تسلط ارزش‌های موردنظر دول برتر در عرصه جهانی بر سایر دولت‌ها و ملت‌ها است. آموزش‌ها جهانی با اهداف سیاسی همراه است، به‌دنبال تغییر تفکر دانش‌آموزان و رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده در سند توسعه پایدار هستند. اکثر آموزش‌های جهانی در واقع دگرگونی‌های بلامنابعی در ذهن دانش‌آموز است که حاوی انتقال ایدئولوژی‌های ویژه‌ای هستند. آموزش جهانی رساندن افراد جهان به اهداف سیاسی و آن چیزی است که مطلوب نویسنندگان و طراحان آن آموزش‌هاست و ممکن است به نفع همه افراد جهان نباشد.

با آن‌دک تأمل در بندها و گزاره‌های موجود در سند توسعه پایدار یا در میثاق‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی، تضاد و تعارض آنها با مبانی دینی به دست می‌آید، از آنجا که اسلام دینی جامع نگر و پاسخگو در همه عرصه‌های زندگی بشری است، در بحث مسائل جنسی نیز دارای آموزه‌هایی است و این محور نیز براساس تربیت شکل گرفته است. در اسلام بیشتر از بحث آموزش جنسی، به بحث تربیت جنسی پرداخته است. تربیت به معنای رشد دادن و آموزش معنای انتقال علم و فن به فراگیر است. باید گفت تربیت آموزشی را در دل خود دارد و آموزش مقدمه تربیت است.

در تربیت جنسی اسلامی زمینه‌ها و عوامل مربوط به مسائل جنسی به گونه‌ای باید در کنار یکدیگر قرار بگیرند که استعداد‌های فرد را به مسیرکمال منتهی کنند. پس می‌توان گفت در اسلام هدف از تربیت جنسی رسیدن به آگاهی، آداب و عاداتی است که در پی پرداختن به مسائل جنسی است که این مسیر نیازمند لوازمی است. تربیت جنسی می‌تواند چند معنی داشته باشد: اول اینکه به هر یک از دو جنبه آموزش هیمن مانند هم جنسان خود و هنجارهای آن جنس عمل کنند و معنای دوم آن تعمیق بنیان‌های خانواده به عنوان عنصر پایه‌ای جامعه و هدف سوم تضمین بقای نسل پاک و عقیق و در نهایت ارائه آگاهی‌های لازم در باب مسائل مربوط به رفتار جنسی است. نتایج تربیت اسلامی در باب تربیت جنسی هر چهار معنا را در شرایط مناسب نسبی دنبال می‌کند، اما سند ۲۰۳۰ به قرینه بحث ایدز و تنظیم خانواده که در کنار بحث آموزش جنسی مطرح شده است تنها به‌دنبال معنای چهارم و آن هم از سنین کودکی است. در مورد معنای دوم نیز تعریف خانواده طبق مفاهیم و اصطلاحاتی که در این سند به کار برده شده سه مفهوم مد نظر است: خانواده از زن و مرد و فرزند، خانواده دیگر از وزن و فرزندان و دیگر خانواده، و مرد و فرزندان است که با تعریف خانواده در مبانی اسلامی در تعارض قرار دارد.

بواسطه تربیت دینی، حالت خود نگهداری در کودک آرام آرام شکل می‌گیرد و بواسطه تربیت دقیق و جدی پدر و مادر تربیت می‌شود و فرد توانمندی‌هایی از جمله حفظ انگیزه‌های جنسی را پیدا می‌کند. در بیشتر جوامع، کودکان از سن ۶ سالگی به مدرسه می‌روند و زمان زیادی از روز خود را در مدرسه به سر می‌برند و در همین حین، دوره بلوغ آنان آغاز سپری می‌شود. مدرسه و عوامل اجتماعی و محیطی و معلم و سایر کارکنان بعد از پدر و مادر از اشخاص تأثیرگذار در روند تربیت جنسی کودک هستند و معلم جایگاه ویژه‌ای دارد و با روش‌های صحیح تربیت، آموزش و ارزش‌های دینی را به آنان منتقل می‌کند.

با اندک تأملی روی فعالیت‌های استیکار جهانی می‌توان دریافت که مباحث جنسی و انحراف از آن جزو مواردی است که در برنامه‌هایشان بسیار به آن تکیه شده است همانگونه که سند ۲۰۳۰ یونسکو آموزش جنسی را به علت شیوع ایدز در جهان و دلایل دیگر، برای آموزش رسمی کشورهای تابع این سند پیشنهاد داده است. با توجه به شرایط کنونی و گسترش عظیم اطلاعات و ارتباطات و هجوم‌های دشمن علیه اسلام ضرورت دارد تربیت جنسی از دید اسلام تبیین و بر مبنای فرهنگ بومی دقیق و ارائه گردد چراکه محتوا و بیان و چگونگی این تربیت در اسلام، بنیانی هدایت‌گونه دارد. در تمام این موارد کرامت انسانی، حیا و بایسته‌های اخلاقی رعایت شده است و در این بین بیان و اشاعه سیره ائمه اطهار در این حوزه‌ها، وسیله بسیار قوی و مؤثر در بیان این مسائل است. درآموزه‌های مبتنی بر دین در عین توجه به زیست‌شناسی انسانی و واقعیت‌های خلقت الهی تربیت جنسی در مسیر کمال و سعادت وی به کار گرفته است. این آموزه‌ها در پی بیان واقعیت‌های الهی خلقت است و هیچ جنبه هیجان زدگی و تحریک‌کنندگی بر آنها همراه نمی‌شود و در عین حال سبب حفظ حریم‌ها می‌شود و این مطلبی است که به عمد یا غیرعمد در سایر بیان‌ها و تحلیل‌های علمی جهان از جمله سند ۲۰۳۰ و آموزش‌های جنسی رایج در جهان مشاهده نمی‌شود.

در انتها به نظر می‌رسد جهت مواجهه با همه‌های موجود، در راستای تربیت جنسی اسلامی نیاز به بازنگری و بازتولید برنامه‌ها و محتوای آموزشی و روش‌های تربیتی برای درونی‌سازی و تعمیق و ترویج فرهنگ حیا و عفاف و جلب مشارکت سازنده و اثربخش خانواده‌ها در حفظ، تعمیق و اشاعه این فرهنگ و تقویت بنیان خانواده و کمک به افزایش سطح توانایی‌ها و مهارت‌های خانواده در ایفای نقش تربیتی متناسب با اقتضانات جامعه اسلامی و برگزاری دوره‌های آموزشی اثربخش، ارائه خدمات مشاوره‌ای به خانواده‌های آسیب‌پذیر و آسیب‌زا برای همسوزای اهداف و روش‌های تربیتی اسلامی خانواده و مدرسه هستیم.

گزارش «ایران» از سهم دهک‌های بالا در ورود به دانشگاه‌های برترهمزمان با آغاز مارا تن کنکور از امروز

پول؛ راه‌رتبه‌دار شدن در کنکور!

اکرم رضایی تانی خبرنگار

پس از اعلام آخرین اخبار درباره مصوبه جدید کنکور سال ۱۴۰۲ سعیدرضا عاملی دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی آماری را ارائه داد که برای چندمین بار نشان از بی‌عدالتی در اصل آزمون کنکور سراسری دارد. طبق گفته عاملی «۸۴ درصد قبولی‌های کنکور در رتبه‌های زیر ۲ هزار جزو سه دهک بالای درآمدی هستند. حدود ۸۶ درصد قبولی‌های رشته‌های پزشکی، دندانپزشکی و داروسازی متعلق به سه دهک بالای اقتصادی بوده و سهم هفت دهک دیگر ۱۴ درصد بوده است.» طبیعتاً امکاناتی از جمله مدارس خاص و غیردولتی، کلاس‌های فوق برنامه، معلم خصوصی و کتاب‌های کمک درسی در اختیار دهک‌های پایین جامعه نیست بنابراین سهم آنها در کنکور به مراتب کاهش می‌یابد و این قطعا به معنای ضریب هوشی بالای دهک‌های ۹، ۸ و ۱۰ جامعه و ضریب هوشی پایین نزد دهک‌های پایین نخواهد بود بلکه گویا هر که پول بیشتری داشته باشد، کیفیت آموزشی‌اش بالاتر می‌رود و شانس قبولی بیشتری در ورود به دانشگاه‌های تراز بالا دارد. البته که همیشه هم استثناهایی وجود دارد و داوطلبانی هستند که به خاطر استعداد ذاتی خودشان موفق به قبولی در کنکور شدند اما به طور کلی طیف گفته کارشناسان آموزشی و کارشناسان کنکور، کتاب‌های درسی به تنهایی به هیچ عنوان نمی‌توانند منابع آموزشی کافی برای شرکت در کنکور باشند. بنابراین بدون صرف هزینه‌های گزاف که گردش عجیب مالی برای نیتفان دارد، شانس قبولی در کنکور هم کم خواهد بود. «ایران» همزمان با آغاز مارا تن کنکور ۱۴۰۱ که از امروز به مدت ۴ روز آغاز شده است، این موضوع را از نگاه‌های متفاوت یک معلم متوسط دوم در تهران، یک معلم در سیستان و بلوچستان به عنوان نماینده‌ای از مناطق محروم و کارشناسی در زمینه کنکور مورد بحث و بررسی قرار داده است که در ادامه می‌خوانید:

■ تنها ۷۰ درصد از داوطلبان زیر ۱۰ درصد تست صحیح‌زدند

فرشادمهرافشان مشاور کنکور حوزه آموزش در گفت‌وگو با «ایران» با انتقاد بر اینکه میان آموزش و پذیرش همخوانی نیست، می‌گوید: در این زمینه مشکلی که داریم این است که یک سازمانی به دانش آموزان درس می‌دهد و یک سازمان دیگر مسئول سنجش است. در حالی که باید یک ارتباط قوی میان این دو باشد که متأسفانه نیست و نوع آموزش و پذیرش با هم همخوانی ندارد.

وی در ادامه اشاره می‌کند: از میانگین ۵۰۰ هزار شرکت‌کننده گروه تجربی معمولاً حدود ۲۰۰ هزار نفر صفر و منفی می‌زنند و درصدهای بالای ۷۰ در این دروس به ندرت به بیش از دو هزار نفر می‌رسد. در رشته ریاضی که واقعاً آمارها عجیب است، از حدود ۱۴ هزار شرکت‌کننده معمولاً حدود ۱۰۰ هزار نفر میانگین اختصاصی زیر ۱۰ درصد دارند و درصدهای بالای ۷۰ در هر درس نیز رقم دور از تصور است. سؤال اساسی این است که با این همه مراکز آموزشی و برنامه‌های مختلف آموزشی چرا آمارها این چنین است، آیا آزمون‌های ما منطبق بر آموزش و چهارچوب آموزش و پرورش است؟ اگر هست این تناقض در چیست و اگر نیست چطور انتظار داریم دانش آموزان در مناطق محروم با این غول‌های آموزشی رقابت کند و سهمی در دانشگاه‌های معتبر و آینده کشور داشته باشد. با دیدگر توجه شما را به این نکته جلب می‌کنم که حتی مراکز بسیار عالی، مراکز تیزهوشان یا مدرسه‌ای مانند علامه حلی آن نتیجه‌لازمی که بعضاً مورد انتظار والدین و دانش‌آموزان است را کسب نخواهند کرد. این نشان می‌دهد نگاه سازمان سنجش با نگاه آموزش و پرورش کاملاً متفاوت بوده و هر کدام را خودشان رومی‌روند. در این میان جامعه بویژه قشر آسیب‌پذیر ضربه می‌خورند. تقریباً می‌توان گفت قشر آسیب‌پذیر سهم بسیار کمی از دانشگاه‌های معتبر داشتند و در آینده نیز کمتر می‌شود. این کارشناس کنکور می‌افزاید: واقعیت این است که سولات کنکور با آنچه در مدارس درسی وجود دارد، خیلی متفاوت است. نمی‌توان گفت که تمام دانش‌آموزان و داوطلبان ما کم کاری می‌کنند؛ وقتی این آمارها را کنار هم می‌گذاریم، می‌بینیم که ربط چندانی به سختی و آسانی کنکور نداریم؛ بلکه به میزان امکانات بستگی دارد و مربوط به نوع نگاه به کنکور است در حالی که تعداد زیادی از دانش‌آموزان امکانی برای رقابت ندارند.

■ مشکل اصلی نظام آموزشی ما این است که دانش‌آموزان نخچه را از مدارس به بهانه‌های مختلف جدا کردند

در این میان اما معلمان تبعیض‌هایی که در مدارس دولتی نسبت به دانش‌آموزان در کنکور اعمال می‌شود را به خوبی درک می‌کنند و این مسأله کاملاً برای آنها ملموس است. سعیدرضا شایدین یکی از معلمانی است که علاوه‌ها در مقطع متوسطه دوم تدریس کرده و برای شرکت در کنکور در کنار دانش‌آموزان خود بوده است. شایدین معلم فیزیک مقطع متوسطه دوم دبیرستان شهید علی محمدی در گفت‌وگو با «ایران» در واکنش به اظهارات شورای عالی انقلاب فرهنگی مبنی براینکه ۸۴ درصد از پذیرفته شدگان کنکور از دهک‌های ۹، ۸ و ۱۰ هستند. به یکی از علت‌های مهم آن که جدایی دانش‌آموزان با استعداد و نخچه از مدارس عادی است، اشاره می‌کند و می‌گوید: من به‌عنوان معلم رسمی آموزش و پرورش که ۲۸ سال سابقه دارم می‌خواهم برخی واقعیت‌ها را به شما بگویم. درصد مدارس غیرانتفاعی که سیاستگذاری آموزش و پرورش را در دست گرفته‌اند خیلی زیاد نیست؛ مشکل اصلی نظام آموزشی ما این است که دانش‌آموزان نخچه را از مدارس به بهانه‌های مختلف جدا کردند. من چند عامل را موجب افت آموزشی در سیستم آموزش کشور می‌دانم اول اینکه مدارس دولتی از مرکز توجه خارج شده و هیچ اهمیتی به آنها داده نمی‌شود.

وی می‌افزاید: در هر شهری یک تعداد مدارس نمونه و تیزهوشان راه‌اندازی شد و طبیعتاً دانش‌آموزان آنها هم نتیجه بهتری می‌گیرند و ما بقی آنها هم به مدارس دولتی راه می‌یابند. افرادی که از نظر تمکن مالی سطح پایین‌تری دارند، امکان استفاده از کلاس‌های آموزشی برای ورود به تیزهوشان را نداشتند، ضمن اینکه تمام مدارس تیزهوشان و نمونه دولتی شهریه می‌گیرند و این تبدیل به یک منبع درآمد شده است.

این معلم مدرسه در ادامه توضیح می‌دهد: در کنار اینها، مؤسسات کنکوری مثل قارچ ثبت

شده است. کتاب‌هایی که برای مقطع ابتدایی نوشته شده را ملاحظه کنید آیا یک دانش‌آموز پنجم ابتدایی باید درگیر این مسائل شود؟

وی به حذف یک مدرسه دولتی برای حفظ مدارس غیردولتی اشاره می‌کند و توضیح می‌دهد: ما در منطقه دو یک مدرسه دولتی به نام شهید بهشتی با مدیریت فوق‌العاده داشتیم که هر سال ۱۰ تا ۱۵ نفر در رشته پزشکی از این مدرسه پذیرفته شده و چندین نفر رتبه زیر هزار در رشته ریاضی کسب می‌کردند. اما پس از مدتی این مدرسه را منحل کردند زیرا موجب تعطیلی چندین مدرسه غیرانتفاعی منطقه دو تهران شده بود. به همین خاطر است که اصلاً برای آنها آموزش مهم نیست و آنچه اهمیت دارد فقط و فقط بی‌فطنی است. سال اول شیوع کرونا طبق آماری که سازمان سنجش اعلام کرد حتی یک نفر رتبه زیر هزار از مدرسه دولتی نبوده است!

■ برخی خانواده‌ها بیش از ۲۰۰ میلیون تومان در سال برای کلاس کنکور هزینه می‌کنند

وی ادامه می‌دهد: ما دانش‌آموزان بااستعدادی داریم که شاید وضع مالی خوبی نداشته باشند اما در مدرسه تیزهوشان پذیرفته شده‌اند، به هر حال برای مدارس تیزهوشان هزینه‌های مضاعفی شده است که این هزینه برای مدارس عادی صرف نمی‌شود. آن کسی که شریف رفته لزوماً با پول نرفته اما خیلی مناطق محروم در کنکور زیاد است؛ به‌عنوان مثال چند سال پیش در ایران‌شهر شش نفر در رشته پزشکی قبول شدند اما نگفتند که پشت پرده ارتباط قوی میان این دو باشد که متأسفانه نیست و نوع آموزش و پذیرش با هم همخوانی ندارد.

■ مشکل اصلی نظام آموزشی ما این است که دانش‌آموزان نخچه را از مدارس به بهانه‌های مختلف جدا کردند

در این میان اما معلمان تبعیض‌هایی که در مدارس دولتی نسبت به دانش‌آموزان در کنکور اعمال می‌شود را به خوبی درک می‌کنند و این مسأله کاملاً برای آنها ملموس است. سعیدرضا شایدین یکی از معلمانی است که علاوه‌ها در مقطع متوسطه دوم تدریس کرده و برای شرکت در کنکور در کنار دانش‌آموزان خود بوده است. شایدین معلم فیزیک مقطع متوسطه دوم دبیرستان شهید علی محمدی در گفت‌وگو با «ایران» در واکنش به اظهارات شورای عالی انقلاب فرهنگی مبنی براینکه ۸۴ درصد از پذیرفته شدگان کنکور از دهک‌های ۹، ۸ و ۱۰ هستند. به یکی از علت‌های مهم آن که جدایی دانش‌آموزان با استعداد و نخچه از مدارس عادی است، اشاره می‌کند و می‌گوید: من به‌عنوان معلم رسمی آموزش و پرورش که ۲۸ سال سابقه دارم می‌خواهم برخی واقعیت‌ها را به شما بگویم. درصد مدارس غیرانتفاعی که سیاستگذاری آموزش و پرورش را در دست گرفته‌اند خیلی زیاد نیست؛ مشکل اصلی نظام آموزشی ما این است که دانش‌آموزان نخچه را از مدارس به بهانه‌های مختلف جدا کردند. من چند عامل را موجب افت آموزشی در سیستم آموزش کشور می‌دانم اول اینکه مدارس دولتی از مرکز توجه خارج شده و هیچ اهمیتی به آنها داده نمی‌شود.

وی می‌افزاید: در هر شهری یک تعداد مدارس نمونه و تیزهوشان راه‌اندازی شد و طبیعتاً دانش‌آموزان آنها هم نتیجه بهتری می‌گیرند و ما بقی آنها هم به مدارس دولتی راه می‌یابند. افرادی که از نظر تمکن مالی سطح پایین‌تری دارند، امکان استفاده از کلاس‌های آموزشی برای ورود به تیزهوشان را نداشتند، ضمن اینکه تمام مدارس تیزهوشان و نمونه دولتی شهریه می‌گیرند و این تبدیل به یک منبع درآمد شده است.

این معلم مدرسه در ادامه توضیح می‌دهد: در کنار اینها، مؤسسات کنکوری مثل قارچ ثبت

یک مدرسه قوی موجب ایجاد انگیزه در او خواهد شد اما اگر یک مدرسه ضعیف باشد قطعا راز او هم تأثیر منفی خواهد گذاشت.

شایدین می‌گوید: ۹۰ درصد آنهايي که تمکن مالی دارند، در واقع پدر و مادرائی هستند که هزینه می‌کنند در حالی که فرزندان تالاشی نمی‌کند و انگیزه‌ای ندارد. اگر فقط ۱۰ درصد از این هزینه را صرف مدارس دولتی می‌کردند بهتر مدرسه پذیرفته شده و چندین نفر رتبه زیر هزار در رشته ریاضی کسب می‌کردند. اما پس از مدتی این مدرسه را منحل کردند زیرا موجب تعطیلی چندین مدرسه غیرانتفاعی منطقه دو تهران شده بود. به همین خاطر است که اصلاً برای آنها آموزش مهم نیست و آنچه اهمیت دارد فقط و فقط بی‌فطنی است. سال اول شیوع کرونا طبق آماری که سازمان سنجش اعلام کرد حتی یک نفر رتبه زیر هزار از مدرسه دولتی نبوده است!

■ برخی خانواده‌ها بیش از ۲۰۰ میلیون تومان در سال برای کلاس کنکور هزینه می‌کنند

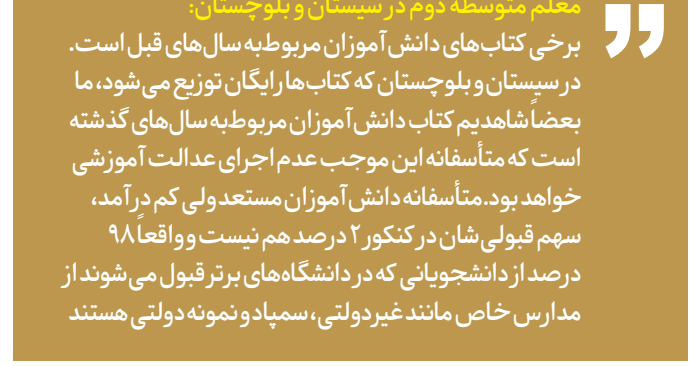
وی ادامه می‌دهد: ما دانش‌آموزان بااستعدادی داریم که شاید وضع مالی خوبی نداشته باشند اما در مدرسه تیزهوشان پذیرفته شده‌اند، به هر حال برای مدارس تیزهوشان هزینه‌های مضاعفی شده است که این هزینه برای مدارس عادی صرف نمی‌شود. آن کسی که شریف رفته لزوماً با پول نرفته اما خیلی مناطق محروم در کنکور زیاد است؛ به‌عنوان مثال چند سال پیش در ایران‌شهر شش نفر در رشته پزشکی قبول شدند اما نگفتند که پشت پرده ارتباط قوی میان این دو باشد که متأسفانه نیست و نوع آموزش و پذیرش با هم همخوانی ندارد.

■ فرصت آموزش را فراهم کردیم، عدالت آموزشی رانه!

یک معلم دیگر که سال‌هاست در مناطق محروم به دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم درس می‌دهد گلابه‌های متفاوتی از بی‌عدالتی‌هایی که نسبت به دانش‌آموزان مناطق محروم می‌شود، در این باره می‌گوید: ما توانستیم در کشور با وجود سال‌ها تلاش برای اینکه آموزش به اقصی نقاط کشور

در این فرهنگ‌های حوزه آموزش ادامه داد: حتی برخی کتاب‌های دانش‌آموزان مربوط به سال‌های قبل است. در سیستان و بلوچستان که کتاب‌ها رایگان توزیع می‌شود، ما بعضاً شاهدیم کتاب دانش‌آموزان مربوط به سال‌های گذشته است که متأسفانه این موجب عدم اجرای عدالت آموزشی خواهد بود. متأسفانه دانش‌آموزان مستعد ولی کم درآمد، سهم قبولی‌شان در کنکور ۲ درصد هم نیست و واقعا ۹۸ درصد از دانشجویانی که در دانشگاه‌های برتر قبول می‌شوند از مدارس خاص مانند غیردولتی، سمپاد و نمونه دولتی هستند.

وی درباره تأثیر شانس کم دانش‌آموزان مناطق کم برخوردار در دانشگاه‌های برتر گفت: این بی‌عدالتی موجب سرخوردن دانش‌آموز می‌شود تا از استعدادش در راستای تخصصی که مورد نیاز جامعه است در آن استفاده نشود. یکی از ایراداتی که به کنکور وارد است که تمام ۱۲ سال تحصیل در این چهار ساعت سنجش می‌شود. گنج بخش اظهار داشت: در کنکور سال ۱۴۰۲ بحث ۴۰ درصد سوابق پررنگ‌تر شده است ولی آن هم تبعات خودش را هم دارد. در حال حاضر هم دانش‌آموزی که قبول شده است ولی نمی‌تواند در کنکور تخصصی مستعد و هم دانش‌آموزی دل‌زده می‌شوند. به نظر ما این کنکور مانند غذایی است که نباید زیاد شور و نباید زیاد کم نمک باشد. نباید خانواده‌ای که در منطقه محروم است به خاطر بحث اقتصاد خانواده‌اش را از چرخه خارج شود. مشاغل کاذب در استان‌های مرزی مانند سیستان و بلوچستان زیاد است. اینها تبعاتی است که متأسفانه از عدم توسعه عدالت آموزشی در استان‌های محروم رخ می‌دهد.



معلم متوسطه دوم در سیستان و بلوچستان:

برخی کتاب‌های دانش‌آموزان مربوط به سال‌های قبل است. در سیستان و بلوچستان که کتاب‌ها رایگان توزیع می‌شود، ما بعضاً شاهدیم کتاب دانش‌آموزان مربوط به سال‌های گذشته است که متأسفانه این موجب عدم اجرای عدالت آموزشی خواهد بود. متأسفانه دانش‌آموزان مستعد ولی کم درآمد، سهم قبولی‌شان در کنکور ۲ درصد هم نیست و واقعا ۹۸ درصد از دانشجویانی که در دانشگاه‌های برتر قبول می‌شوند از مدارس خاص مانند غیردولتی، سمپاد و نمونه دولتی هستند.